

آشنایی  
یا  
پارهای  
از  
حسین  
جوادی  
جدید



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

لایحه  
تشکیل دادگاه‌های عام



پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرېبنځي  
پرتال جامع علوم انساني



مادۀ ۱

به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد، دادگاههایی با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل می شود.

مادۀ ۲

تأسیس دادگاههای عام در هر منطقه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاههای مزبور به تشخیص رئیس قوه قضائیه است.

مادۀ ۳

با تأسیس دادگاههای عام در هر منطقه قضایی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و امور حسبی، با لحاظ قلمرو محلی، با دادگاههای مزبور خواهد بود.

نصرة ۱. «منطقة قضایی» عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ.  
نصرة ۲. رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دایرة شمول این قانون خارج است.

#### مادة ۴

احکام دادگاههای عام قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدید نظر پیش بینی شده است.

#### مادة ۵

قضات دادگاههای عام مکلف اند به دعاوی و شکایات و اعلامات، موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند، والا مستنکف از فصل خصومت و احقاق حق محسوب می شوند.

#### مادة ۶

قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و یا اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رأی به طور کلی و عموم موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار خواهد بود.

#### مادة ۷

هر منطقه قضایی به تعداد لازم شعبه دادگاه عام، قاضی تحقیق، دفتر دادگاه، پلیس قضایی و یک واحد ارشاد و معاضدت قضایی خواهد داشت و، در صورت تعدد شعب، دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود.

## مادۀ ۸

واحد ارشاد و معاضدت قضایی از تعدادی افراد خبره و خیرخواه تشکیل می‌شود که با توصیه و صلاحدید قضات دادگاههای عام عهده دار امر ارشاد، هدایت و ایجاد صلح و سازش بین طرفین دعوی و خصومت خواهد بود.

نبره. ترتیب تشکیل این واحدها، تعداد اعضای هر واحد، طریقه انتخاب و شرایط آن، میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضای آن و نحوه اقدامات و تصمیم‌گیریها به موجب آییننامه‌ای تعیین می‌شود که به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

## مادۀ ۹

ریاست شعبه اول دادگاههای عام در هر منطقه قضایی با رئیس منطقه قضایی است.

## مادۀ ۱۰

رئیس منطقه قضایی هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای عام آن شهرستان نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستریهای شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت.

نبره. رئیس منطقه قضایی و شهرستان و مرکز استان می‌تواند با تصویب رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم معاون داشته باشد و در غیاب وی معاونان، به ترتیب سابقه بیشتر در امر قضا، عهده دار این سمت خواهند بود و امر ارجاع پرونده و شکایات و دعاوی به شعب دادگاهها به ترتیب برعهده آنان است.

ضابطین دادگستری هر منطقه قضایی از جهت امور قضایی تحت ریاست و نظارت رئیس همان منطقه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقامات قضایی می باشند. متخلفین از اجرای این دستورات از طرف رئیس منطقه قضایی مربوطه تحت تعقیب قرار گرفته و با ارجاع وی به یکی از شعب دادگاههای عام علاوه بر جبران خسارت (با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر) برای بار اول به انفصال از یک ماه تا شش ماه و برای بار دوم به شش ماه و یک روز تا یک سال و برای بار سوم از یک سال و یک روز تا دو سال و برای بار چهارم به انفصال دائم از خدمت دولتی محکوم می شوند.

ماده ۱۲

دادگاههای عام با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ماده ۱۳

تمامی اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه به وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت. همچنین اظهار نظر قضایی و انشاء رأی با اوست.

نبره ۱. رعایت دستور این ماده مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرع و قانون پاره ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور وزیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق به عمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذی صلاح دیگر انجام شود.



نصرة ۲. هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضایی آن دادگاه باید جمع آوری شود، دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد.

#### ماده ۱۴

قضات تحقیق تحت نظارت و تعلیمات قضات و دادگاههای عام منطقه قضایی خود عهده دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع می‌شود. اظهار نظرهایی که مستلزم رسیدگی ماهوی است از دایره شمول امور مذکور در این ماده مستثنی است.

#### ماده ۱۵

دادگاههای عام پس از ختم رسیدگی مبادرت به اظهار نظر می‌نمایند و در مجازاتهای اعدام، رجم، قطع، قصاص نفس یا عضو نیز حکم به طلاق که زن تقاضا نموده باشد دادگاه، پس از اظهار نظر، بلافاصله پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید و در سایر موارد، پس از انشاء رأی، دستور اجرای حکم را صادر می‌نماید مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده است، که اجرای حکم تا تعیین تکلیف نهایی متوقف می‌شود.

نصرة. در صورتی که حاکم دادگاه مجتهد جامع الشرائط باشد، پس از رسیدگی، مبادرت به انشاء رأی قطعی می‌نماید.

#### ماده ۱۶

در مجازاتها و احکام مذکور در ماده ۱۵ و نیز مواردی از امور حقوقی که در آن ماده ذکر شده است پرونده پس از ارسال به دیوان عالی کشور

در یکی از شعب مورد رسیدگی شکلی قرار می‌گیرد و در صورتی که نظریه ابراز شده مورد تأیید باشد پس از تأیید پرونده جهت صدور حکم و دستور اجرا به دادگاه صادرکننده حکم اعاده می‌شود و در صورتی که به جهت نقص در مراحل رسیدگی و تحقیقات و یا به جهت شرعی و قانونی دیگر مورد تأیید نباشد، با ذکر جهات عدم تأیید، پرونده جهت رسیدگی مجدد به دادگاه بدوی اعاده می‌گردد.

#### ماده ۱۷

در مورد قسمت اخیر ماده قبل چنانچه دادگاه با نظر دیوان عالی کشور موافق باشد وفق این نظر، حسب مورد، رسیدگی و انشاء رأی می‌نماید.

#### ماده ۱۸

در صورتی که دادگاه نظر دیوان عالی کشور را نپذیرد پرونده را نزد ریاست منطقه قضایی ارسال می‌نماید و رئیس منطقه خود رأساً به پرونده رسیدگی و حکم قضیه را صادر می‌نماید.  
تبصره. در صورتی که حکم قبلاً توسط رئیس منطقه قضایی صادر شده باشد پرونده به نزدیکترین شعبه همعرض ارسال می‌گردد.

#### ماده ۱۹

احکام و قرارهای ابتدایی دادگاههای عام از طرف مقامات یا اشخاص مذکوره ذیل، برای یک بار و با ارائه ادله کافی، قابل تجدید نظر خواهی است:

۱. رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، قاضی صادرکننده حکم یا قرار. هر یک از مقامات مزبور، ضمن تجدید نظر خواهی، دستور توقف اجرای حکم یا قرار را خواهند داد.

۲. شکات، محکوم‌علیهم و متهمان یا قائم مقام قانونی و یا وکیل هریک از آنها، ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ یا اعلان حکم یا قرار، در موارد ذیل:

الف. هرگاه ادعا شود که مدارک مورد استناد فاقد اعتبار بوده یا شهود به دروغ شهادت داده و یا واجد شرایط شرعی یا قانونی ادای شهادت نبوده‌اند.

ب. هرگاه ادعا شود که حکم یا قرار با ضرورت‌های شرعی یا مصرّحات قانونی مخالفت دارد.

ج. هرگاه ادعا شود که دادگاه ذاتاً صلاحیت رسیدگی نداشته است.

نصرة ۱. دادگاه‌های عام مکلف‌اند ذیل حکم یا قرار صادره تصریح کنند که حکم یا قرار به شرح بند ۲ و تبصره ۲ این ماده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ یا اعلام، فقط برای یک بار، قابل تجدیدنظرخواهی است.

تبصره ۲. در مواردی که قاضی صادرکننده حکم یا قرار مجتهد جامع‌الشرائط است نقض و تجدیدنظر در صورتی و جاهت شرعی و قانونی دارد که قاضی نقض‌کننده مجتهد جامع‌الشرائط باشد.

نصرة ۳. در مجازات‌ها و امور حقوقی مذکور در ماده ۱۵ در صورتی که پس از تأیید دیوان عالی کشور حکمی صادر شود فقط از طریق مقامات مذکور در بند یک این ماده امکان تجدیدنظر وجود دارد.

تبصره ۴. احکام و قرارهایی که پس از نقض، در مقام تجدیدنظر، صادر می‌شوند قابل اعتراض یا تجدیدنظر مجدد نخواهد بود.

#### ماده ۲۰

درخواست تجدیدنظر رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور به دادگاه صادرکننده حکم یا قرار ارسال می‌شود و قاضی صادرکننده حکم یا قرار، در صورت موافقت با درخواست مزبور،

حکم یا قرار را نقض و پرونده را، جهت رسیدگی یا ارجاع به شعبه دیگر، به رئیس منطقه قضایی ارسال می‌کند و در صورت عدم موافقت با درخواست مزبور مستدلاً اظهار نظر نموده، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید.

تبصره ۱. در صورتی که قاضی صادرکننده حکم در آن منطقه سمت قضایی نداشته باشد پرونده توسط رئیس منطقه قضایی یا شعبه ای که او تعیین می‌نماید رسیدگی و به شرح این ماده اقدام می‌شود.

تبصره ۲. درخواست تجدیدنظرخواهی موضوع این ماده اجرای حکم یا قرار را تا تعیین تکلیف نهایی به شرح بندهای فوق الذکر و ماده بعد متوقف می‌سازد مگر در مواردی که منتهی به آزادی متهم گردد.

#### ماده ۲۱

در مواردی که به موجب ماده قبل پرونده به دیوان عالی کشور ارسال می‌شود چنانچه شعبه مرجوع الیه حکم یا قرار را مخالف شرع یا قانون نداند، ضمن رد مستدل تجدیدنظرخواهی و تأیید حکم یا قرار، پرونده را جهت اجرا اعاده می‌دهد، و در غیر این صورت، حکم یا قرار را مستدلاً نقض و مبادرت به رسیدگی ماهوی و انشاء رأی می‌نماید.

پرونده‌های حقوقی و مطالعات فقهی

#### ماده ۲۲

در مواردی که قاضی صادرکننده حکم یا قرار آن را مخالف موازین شرع یا قانون بداند، ضمن نقض مستدل حکم یا قرار و دستور توقف اجرا، پرونده را جهت تجدیدنظر و انشاء رأی به یکی دیگر از شعب دادگاه عام همان منطقه ارسال می‌نماید.

#### ماده ۲۳

تقاضانامه تجدیدنظر موضوع بند ۲ ماده ۱۹ تسلیم دفتر دادگاه صادرکننده حکم یا قرار می شود. دفتر مزبور، در صورتی که صادرکننده حکم یا قرار رئیس منطقه قضایی بوده است، تقاضانامه را همراه پرونده مربوطه نزد رئیس نزدیکترین منطقه قضایی، و در غیر این صورت، نزد رئیس همان منطقه قضایی ارسال می نماید.

#### ماده ۲۴

در صورتی که تجدیدنظرخواهی با رعایت کامل بند ۲ ماده ۱۹ و شقوق سه گانه این بند و تبصره ۳ ماده مرقوم به عمل نیامده باشد رئیس منطقه قضایی مرجوع الیه، ضمن رد تجدیدنظرخواهی، پرونده را جهت ادامه اقدامات اجرایی به دادگاه مربوطه اعاده می دهد، و در غیر این صورت، ضمن دستور توقف اجرای حکم یا قرار پرونده را جهت رسیدگی به اعتراض نزد قاضی صادرکننده حکم یا قرار ارسال می دارد و قاضی مزبور، چنانکه اعتراض را وارد بداند، طبق ماده ۲۲ نسبت به نقض حکم اقدام والا، ضمن رد مستدل اعتراض، پرونده را برحسب مورد نزد رئیس همان منطقه قضایی یا رئیس منطقه قضایی مجاور، در صورتی که خود رئیس منطقه قضایی است، ارسال می دارد.

#### ماده ۲۵

در صورتی که قاضی صادرکننده حکم یا قرار در منطقه قضایی مربوطه شاغل نباشد یا شاغل بوده ولی اعتراض را قبول ننموده باشد، برحسب مورد، رئیس همان منطقه قضایی یا منطقه قضایی مجاور نسبت به پرونده رسیدگی ماهوی نموده و برطبق نظر خود، در مورد تأیید حکم یا قرار صادره و اعاده پرونده جهت اقدامات اجرایی یا نقض حکم قبلی و صدور

حکم مجدد، اقدام می‌نماید.

#### مادّه ۲۶

احکام دادگاه‌های عام به دستور دادگاه عام صادرکننده حکم اجرا خواهد شد.

#### مادّه ۲۷

تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه عام نسبت به امر مطروح نزد آن با همان دادگاه است.

#### مادّه ۲۸

مرجع رفع اختلاف صلاحیت محلی بین دادگاه‌های عام منطقه قضایی نزدیکترین دادگاه منطقه قضایی به دادگاه تصمیم‌گیرنده اخیر است.

#### پژوهش‌های حقوقی و مطالعات فریبگی مادّه ۲۹

در موارد اختلاف در صلاحیت ذاتی بین دو مرجع قضایی دادگستری یا یک مرجع قضایی دادگستری و یک مرجع غیردادگستری، مرجع حل اختلاف، دیوان عالی کشور است.

#### مادّه ۳۰

هرگاه امر واحدی در دو مرجع مختلف مطرح و در حال رسیدگی باشد و هر دو مرجع اصرار به صلاحیت خود داشته باشند، پس از اطلاع از این امر، موظف به توقف رسیدگی و ارسال پرونده به مرجع حل اختلاف می‌باشند.

نصرة ۱. طبق مواد ۳۲ و ۳۳ مرجع حل اختلاف در صلاحیت ذاتی دیوان عالی کشور و در صلاحیت محلی نزدیکترین دادگاه عام منطقه می باشد.

نصرة ۲. در صورت اطلاع دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور از مطرح بودن پرونده در دو مرجع پرونده را از هر دو مرجع مطالبه می کنند که، در این صورت، هر دو مرجع موظف اند پرونده را جهت تعیین تکلیف به دیوان عالی کشور ارسال نمایند.

#### مادة ۳۱

چنانچه امر واحدی در دو مرجع قضایی دادگستری یا غیر دادگستری و یا یک مرجع قضایی دادگستری و یک مرجع غیردادگستری منتهی به انشاء رأی قطعی شده باشد رأی مرجعی لازم الاجراء است که به تشخیص دیوان عالی کشور صالح به رسیدگی و انشاء رأی بوده و رأی دیگر بی اعتبار است و اگر هر دو مرجع صالح تشخیص داده شوند رأی اخیرالصدور از درجه اعتبار ساقط و رأی ابتدایی معتبر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### مادة ۳۲

از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون رئیس قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف مدت ده سال با تشکیل تدریجی دادگاههای عام و انحلال دادسراهای عمومی و دادگاههای کیفری و حقوقی و مدنی خاص مربوطه و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضایی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید.

#### مادة ۳۳

وزیر دادگستری موظف است حداکثر تا یک سال از زمان لازم الاجراء شدن این قانون، با هماهنگی رئیس سازمان امور اداری و

استخدامی کشور، تشکیلات اداری متناسب با آن را تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه برساند.

#### ماده ۳۴

دولت موظف است در اسرع وقت امکان تهیه وسایل و تجهیزات لازم دادگاههای عام از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسایل نقلیه و دیگر لوازم و وسایل را فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسایل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد.

#### ماده ۳۵

از تاریخ تشکیل دادگاههای عام در هر منطقه قضایی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن ملغی است و دادگاههای عام مناطق قضایی، با رعایت موازین شرع و قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای اسلامی، می‌توانند از سایر قوانین و مقرراتی که از اعتبار قانون ساقط نشده و مخالف موازین شرع نیز نباشد استفاده کنند.

شماره ۹۰

تاریخ ۱۳۶۸/۷/۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گزارش از کمیسیون برنامه و بودجه به مجلس شورای اسلامی

لایحه تشکیل دادگاههای عام که با شماره ترتیب چاپ ۵۸۰ به کمیسیون برنامه و بودجه به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شده بود با حضور نمایندگان دولت مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در جلسه ۶۸/۷/۳ با اصلاحاتی به شرح زیر به تصویب رسید.

اینک گزارش آن برای شور اول تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه: علی آقا محمدی



## اصلاحات کمیسیون

۱. مدت لزوم اجرای قانون مندرج در ماده ۳۷، از «ده سال» به «پنج سال» تقلیل یافت.
۲. ماده ۴۰ به شرح زیر اصلاح گردید.

### ماده ۴۰

دادگستری مکلف است اعضای دفتری و نیروهای خدماتی دادگاههای عام را از میان کارکنان واحدهای موجود دادگستری تأمین نماید مگر در مناطقی که قبلاً واحد قضایی نبوده باشد که، در این صورت، مجاز به استخدام تعداد لازم اعضای دفتری، متناسب با تشکیلاتی که توسط قوه قضائیه تهیه و به تأیید سازمان اموراداری و استخدامی کشور می‌رسد، می‌باشد.

۳. ماده ۴۱ حذف شد.

شماره ۵۸/۲۸

تاریخ ۱۳۶۸/۷/۵

گزارش از کمیسیون سیاست خارجی به مجلس شورای اسلامی

لایحه تشکیل دادگاههای عام به شماره ترتیب چاپ ۵۸۰ که جهت رسیدگی به ماده ۲۷ به کمیسیون سیاست خارجی، به عنوان کمیسیون فرعی، ارجاع شده بود در جلسه روز سه شنبه مورخ ۶۸/۷/۴ مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت و ماده فوق الذکر عیناً با اکثریت آراء به تصویب رسید.

اینک گزارش آن جهت شور اول تقدیم مجلس محترم شورای اسلامی می‌گردد.

مخبر کمیسیون سیاست خارجی: سبحانی نیا

تاریخ چاپ ۱۳۶۸/۱۲/۲۴



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی